

سیاست جنایی اسلام در حوزه خانواده

□ محمد آصف افتخاری *

چکیده

سیاست جنایی اسلام همه عرصه های زندگی انسان را پوشش داده است و یکی از این عرصه ها، حوزه خانواده است، سیاست جنایی اسلام در این حوزه، برخاسته از مبانی کرامت انسانی، قداست خانواده، ایجاد آرامش، مسئولیت اجتماعی انسان و هدفمند بودن زندگی می باشد. سیاست جنایی اسلام در حوزه خانواده، دارای مصادیق متعدد است که از جمله آن ها مسائل جنایی مربوط به ارتداد، زنا (محصن، عنف و زنا با محارم)، قتل همسر زانیه در بستر زنا، جرائم ضد حقوق و تکالیف خانوادگی (امتناع از پرداخت مهریه، پرهیز از ثبت ازدواج و طلاق، نپرداختن مهریه)، مسائل جنایی مرتبط با ازدواج، طلاق، قوادی، رد فاضل دیه و مانند این ها می باشد.

* دانش آموخته دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه.

مقدمه

با توجه به اینکه دین مقدس اسلام، در مورد تمامی حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان برنامه و سیاست‌گذاری دارد؛ بدون تردید، سیات جنایی اسلام، حوزه خانواده را هم پوشش داده است و در همین راستا آیات و روایاتی وارد گردیده و مقررات فقهی و حقوقی زیادی تدوین شده است که تحقیق حاضر درصدد بررسی این موضوع می باشد.

بخش اول: مفاهیم و کلیات

الف) سیاست جنایی

سیاست جنایی اسلام که برای اولین بار توسط آنسيلم فون فوئر باخ (Anselm von Feuerbach) در کتاب حقوق کیفری او که در سال ۱۸۰۳ میلادی منتشر گردید به کار برده شده است. سیاست جنایی را می توان در قالب عبارات ذیل که در مجموع ناظر بر مراد و معنای خاص می باشد تبیین کرد:

برنامه ریزی های حاکم در برابر جلوگیری از جرم و جنایت و پاسخ حکومت به هرگونه کج روی. درک، تدبیر و اداره مسائل و امور جامعه است. مجموعه شیوه های سرکوب گرایانه ای که دولت با استفاده از آن ها علیه جرم واکنش نشان می دهد. بنائاً سیاست جنایی از سویی با پدیده مجرمانه و از سوی دیگر با راهبرد و استراتژی و برنامه ریزی همراه است.

ب) خانواده

در جوامع انسانی، خانواده، به گروهی از افراد گفته می شود که با یکدیگر از طریق هم خونی، تمایل سببی، یا مکانی، زندگی مشترک و وابستگی دارند.

طبق تعریف و توضیح سایت مرکز اسلامی امام علی ع، خانواده به مفهوم محدود آن عبارت است از یک واحد اجتماعی، ناشی از ازدواج یک زن و یک مرد که فرزندان پدید آمده از آن ها آن را تکمیل می کنند. تعریف دیگری خانواده را شامل مجموعه ای از افراد می داند که باهدف و منافع مشترک زیر

سقفی گرد هم می‌آیند.

اسلام خانواده را گروهی متشکل از افراد، دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی معرفی می‌کند که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مرد، تشکیل می‌دهد و نکاح عقدی است که بر اساس آن رابطه زوجیت بین زن و مرد برقرار شده و در پس آن طرفین دارای وظایف و حقوق جدید می‌شوند. ارتباط خویشاوندی در سایه نکاح پدید می‌آید؛ اعضای آن دارای روابط قانونی، اخلاقی و عاطفی می‌گردند. اساس تشکیل خانواده این است که زن و مردی می‌کوشند اراده خود را بر تأسیس آن و قبول تکالیفی که شرع برای آن‌ها معین کرده است محقق گردانند. بر این اساس خانواده یک تأسیس حقوقی به حساب خواهد آمد که اعضای آن با رشته خونی باهم پیوند پیدا می‌کنند. جامعه‌شناسان، خانواده را یک پدیده تاریخی می‌دانند که از اجتماع کلی جدا نیست. واحدی است اجتماعی که در عین حال خصایص یک نهاد و یک گروه را واجد است. بر این اساس در عین مطالعه کلی خانواده باید به چشم یک نهاد و یک گروه ارادی نخستین رهبری و عضویت نگریسته شود (سایت مرکز اسلامی امام علی «ع»)

ج) سیاست جنایی اسلامی در حوزه خانواده

با توجه به آنچه بیان شد سیاست جنایی اسلام در حوزه خانواده را می‌توان این‌گونه تبیین کرد: تدبیر و برنامه‌ریزی‌های دقیق حاکم اسلامی در برابر پیشگیری و جلوگیری از جرم و جنایت که نوعاً در حوزه خانواده اتفاق می‌افتد یا ممکن است اتفاق بیافتد و پاسخ حکومت به هرگونه جنایت، کج‌روی و انحرافی که در این حوزه به وجود می‌آید. در همین راستا است که فقه اسلام و نیز حقوق موضوعه، قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌های زیادی را در این حوزه، تصویب و تقنین نموده است.

بخش دوم: مبانی سیاست جنایی اسلام در حوزه خانواده

بحث از مبانی سیاست جنایی اسلام در حوزه خانواده، خود، یک تحقیق مستقلی را می‌طلبد تا تمامی زوایای این باب به صورت دقیق و مفصل ارائه و تفهیم شود؛ اما برای اینکه این نوشتار هم عاری از این بحث اساسی نماند به صورت بسیار گذار و کلی به چند مبنا اشاره می‌شود.

الف) مبنای کرامت انسانی

تعریف و تبیین کرامت انسانی روشن است و آیه و لقد کرّمنا و روایات متعددی بر این امر دلالت دارد، اما نگاه کلی اسلام در حوزه خانواده به عنوان مبنای سیاست های جنایی به این است که با هر نوع توهین و تحقیر و برنامه های برخی از افراد خانواده خصوصاً سرپرست که حقارت دیگر اعضای خانواده ها را به نبال داشته باشد، برخورد جدی شده است؛ لذا با هر نوع تعرض به دیگر افراد خانواده از جمله اموری مانند قذف پدر، مادر، همسر یا فرزند، تحقیر و توهین و... برخورد اساسی و قانونی صورت می گیرد و مجازاتی برای آن تقنین شده است که این مجازات در قالب مجازات حدی و تعزیری اجرا می شود و از جمله «حد قذف، هشتاد ضربه شلاق» (قانون مجازات اسلامی ایران، ۱۳۹۲، م ۲۵۰) تعیین شده است که این خود، بیانگر نگاه عمیق سیاست جنایی اسلام در حوزه خانواده جهت حفظ حرمت و کرامت اعضای خانواده هست.

ب) حفظ قداست خانواده

دین مقدس اسلام، نسبت به امر ازدواج و مجموعه خانواده، با نگاه مقدس نگریسته و در امر ازدواج فراتر از اطفای شهوت؛ عشق و رسیدن به خدا و بهره مندی از نعمت های الهی (زوجین) امر اساسی در نهاد مقدس خانواده نگریسته شده است که ازدواج به عنوان اساس این امر معرفی شده است به گونه ای پیامبر خدا ص فرمودند: هیچ بنایی به اندازه ازدواج فضیلت ندارد «مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ التَّزْوِيجِ» (صدوق، من لا يحضره الفقيه، ۱۴۱۳، ۳، ۳۸۳) بنابراین سیاست جنایی اسلام اقتضا می کند تا با وضع مقررات جزایی در قبال جرائمی که به قداست این نهاد دوست داشتنی صدمه وارد می کند، از آن دفاع نماید و برای حفظ این قداست، تمامی تلاش خود را اعمال نماید که می توان گفت موضوعاتی مانند قذف، ظهار، نفقه زوجه، تمکین، احترام متقابل و... که اعمال هر کدام دارای مجازات لازم و متناسب می باشد هم در همین راستا تشریع و تقنین شده است.

ج) مبنای آرامش

در جریان تشکیل خانواده، قرآن کریم با صراحت شعار لتسكنوا اليها «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ

أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم/ ۲۱)
را سر داده و اعلام می کند که خانواده، صرفاً یک معامله و دورهمی خشک نیست، بلکه خانواده اسلامی، زمانی محقق می شود که اهالی آن خصوصاً زن و شوهر با در کنار هم قرار گرفتن، به ساحل امن و آرامش، قدم بگذارند.

در همین راستا مقتضای سیاست جنایی اسلام این است که از طریق اقدامات پیشگیرانه و مجازات الاسهل فالاسهل، باید زمینه این آرامش این ساکنین این ساحل زیبا را فراهم نماید؛ لذا است که در نظام اسلامی، به محض پیدایش زمینه های طوفان تشطت و ازهم پاشیدگی در این محیط زیبا، باید با انتخاب حکم و داور و با وعظ و نصیحت، آرامش ازدست رفته را به خانواده ها برگرداند و قانون مجازات اسلامی، برای زوجینی که عقدی را بر مبنای غیر واقعی و از طریق فریب و نیرنگ یکدیگر - که زیربنای آرامش در زندگی آینده را نشانه می گیرد - را اگر منعقد نمایند، مجازات تعزیری از شش ماه تا دو سال لحاظ کرده است (قانون مجازات اسلامی ایران، ۱۳۹۲، ۶۴۷ (۸۷۳))

د) مسئولیت اجتماعی انسان

انسان یک موجود اجتماعی است و خانواده هم جزء و بلکه اساس و زیربنای همین اجتماع را تشکیل می دهد؛ بنابراین سیاست جنایی اسلام در حوزه خانواده، بر خواسته از همین خصیصه و ناظر بر آنست و در همین راستا است که مقررات جزایی و جنایی را لحاظ کرده است و در قبال هنجارشکنی در این زمینه، بی تفاوت نمانده است.

ح) هدفمند بودن خانواده

یکی از اصول و مبانی مهم در تشکیل خانواده در اسلام، هدفمند بودن آن است؛ به این معنا که روح ازدواج، صرفاً اطفای شهوت نیست؛ بلکه استفاده درست از غریزه جنسی، بهانه ای برای تولید و ازدیاد نسل، تربیت فرزندان، آرامش و رسیدن به اهداف والا خواهد بود که بخش هایی از برنامه ها و مقررات در حوزه سیاست جنایی اسلام، در همین راستا می باشد.

به همین منظور است که در دین اسلام امور ذیل، ممنوع و در برخی از موارد برای عاملین آن مجازاتی لحاظ شده است که این امر به نوبت خود، بنیان و اساس سیاست جنایی اسلام را تشکیل

می‌دهد:

۱. نکاح با دختر نابالغ، قانوناً ممنوع است و تنها با اجازه ولی آن‌هم به شرط رعایت مصلحت، صحیح می‌باشد در غیر این صورت باطل (قانون مجازات اسلامی ایران، ۱۳۹۲، ماده ۱۰۴۱) و نهایتاً فضولی خواهد بود که شاید حکمت این ممنوعیت، بی‌ثمر بودن ازدواج با کودک نابالغ باشد.

۲. در باب عزل منی در ازدواج دائم؛ از منظر سیاست جنایی اسلام در فقه اهل بیت ع، قیل و قال‌هایی مطرح شده است که در مجموع، عزل و بیرون ریختن منی با اجازه زن دائم، کراهت دارد و در صورت عزل بدون اذن، بر عهده مرد است که باید ده دینار یعنی عشر دیه جنین، به‌عنوان دیه بپردازد که بر اساس برخی از روایات، ریشه این ممنوعیت کراهتی هم حکمت و فایده اساسی ازدواج است که تولید مثل باشد (توضیح بیشتر در: محقق ثانی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ۱۴۱۴، ۱۲، ۵۰۳) بر این اساس، پیامبر گرامی اسلام ص حتی به بچه سقط شده مسلمان هم مباحثات می‌کند و فرمودند: «أَمَّا عَلِمْتُمْ أَنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى بِالسَّقَطِ» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷، ۵، ۳۳۴)

بخش سوم: مظاهر و نمونه‌هایی از سیاست جنایی اسلام در حوزه خانواده

۱ - ارتداد

مرتد کسی است که ابتدا، اسلام را می‌پذیرد و بعد از مدتی از دین برمی‌گردد که خود به مرتد ملی (کسی که از والدین غیر مسلمان به دنیا آمده باشد) و فطری (کسی که از والدین مسلمان به دنیا آمده است باشد) تقسیم می‌شود (البته در اینکه چه کسانی مرتد هستند، اختلاف مایی بین فقها مطرح است و قدر مسلم همان است که بیان شد)

در زمینه ارتداد، مباحث زیادی قابل طرح است اما آنچه در این تحقیق به‌عنوان یکی از مصادیق جدی سیاست جنایی اسلام، ارائه و به‌صورت گذار اشاره شود این است که: مرتد ملی به‌محض اثبات ارتداد، توبه داده می‌شود و اگر توبه را نپذیرفت کشته می‌شود «أَنْ مَنْ كَانَ كَافِرًا فَلَسَلِمَ ثُمَّ تَصَرَّ فَهَذَا مُرْتَدٌّ مَلِّي لَا يُقْتَلُ بَلْ يَسْتَتَابُ فَإِنْ تَابَ وَإِلَّا قُتِلَ» (خوبی، محاضرات فی الموارث، ۱۴۲۴، ۱۷۴) همین‌طور اگر زنی مرتد شود چه مرتد ملی باشد و چه فطری باشد، محکوم به حبس ابد می‌شود و

هنگان نماز، تعزیر می‌شود تا توفیق توبه برایش حاصل شود «لا تقتل المرأة بالردة، بل تحبس دائماً وإن كانت مولودة على الفطرة و تضرب أوقات الصلوات» (اردبیلی، فقه الحدود و التعزیرات، ۱۴۲، ۴، ۲۱۳)

اما نسبت به مرتد فطری به محض اثبات ارتداد، احکام ذیل بار می‌شود:

توبه او در ظاهر شرع مقدس، قبول نمی‌شود و فوراً حکم اعدام بر او اجرا می‌گردد «وإذا كان مسلماً من الأول ثم ارتد فلا تصل التوبة إلى الاستتابة بل يقتل ابتداء» (خویی، سید ابو القاسم موسوی، محاضرات فی المواریث، ص: ۱۷۴) این قتل و اعدام هم وظیفه امام است «و علی الامام أن يقتله ولا يستتبه» (جزیری، الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۹، ۴، ۵۳۹)

اموال مرتد فطری به عنوان میراث، به ملکیت ورثه، منتقل می‌شود «أن أموال المرتد الفطري تقسم بين مستحقیه من ورثته بنفس الردّة و يزول ملكه عنه بذلك وإن كان باقياً ولم يقتل» (اردبیلی، فقه الحدود و التعزیرات، ۴، ۱۸۲)

همسر مرتد فطری از لحظه اثبات ارتداد شوهرش، عده وفات، نگه می‌دارد «وامراته بائة منه يوم ارتد فلا تقر به... تعتد امراته عدة المتوفى عنها زوجها» (جزیری، الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۹، ۴، ۵۳۹)

در باب اجرای احکام مرتد (خصوصاً مرتد فطری) دو نکته مهم و قابل عرض این است که:

۱. در اینکه امروزه، آیا باید احکام مرتد، به صورت دقیق باید اجرا گردد یا خیر؟ آیا پیاده کردن چنین احکامی در شرایط کنونی مصلحت دارد یا ندارد؟ خود مسئله ایست که باید متولیان امر، توجه و دقت بیشتری داشته باشند اما امروزه، عملاً این مجازات، اجرا اعمال نمی‌گردد مگر در موارد نادر.

۲. اینکه چرا باید فرد مرتد، محکوم به اعدام شود این محکومیت، صرفاً به جهت، تغییر دین و عقیده، تشریع نشده است بلکه از این حیث که چنین فردی که مدت‌ها بین مسلمانان زندگی کرده است، وقتی از این دین برمی‌گردد و فرار می‌کند، ممکن است اسرار دین را به دنیا فاش کند و این اقدام هم خود (عملاً و لساناً) تبلیغ، علیه دین خواهد بود.

۲- زنا

الف) تبیین و تعریف

نکته مهم این است که سیاست جنایی اسلام در مواجهه با جرائم منافی عفت در حوزه خانواده ولعی برای کشف و در نتیجه اجرای مجازات ندارد برای همین است که شرایط سخت گیرانه‌ای را در زمینه اثبات این امور از قبیل صفات شاهد‌ها که باید افراد کامل (بالغ و عاقل و عادل) و عاملین هم به دور از اکراه و اجبار، اقدام کرده باشند و... را لحاظ کرده است به گونه‌ای که اجرای مجازات افراد در قبال جرائم منافی عفت بسیار به ندرت اتفاق می افتد.

در همین راستا است که قاعده مشهوره تدرأ الحدود بالشبهات مطرح شده است و نیز بر اساس قانون مجازات ایران، اگر کسی نسبت به حکمی ادعای جهل کند هر چند نفس جهل موجه جرم نیست اما در صورتی که شرایط به گونه‌ای باشد که احتمال جهل او برود موجب اسقاط حد، خواهد شد (قانون مجازات اسلامی ایران، ۱۳۹۲، ماده ۱۵۵)

در سیاست جنایی اسلام در مورد جرائم مستوجب حد (که از جمله آن‌ها جرائم منافی عفت هست) اگر مرتکب جرم قبل از اثبات جرم توبه کند، در صورتی که ندامت و اصلاح مجرم برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می شود مگر در مورد زنا و لواطی که با عنف یا اغفال انجام گرفته باشد که در این صورت ولو حد ساقط گردد اما به مجازات تعزیری محکوم می گردد (قانون مجازات اسلامی ایران، ۱۳۹۲، ماده ۱۱۴)

اما از آنجایی که اصل سیاست جنایی اسلام برای مبارزه یا فساد و ایجاد آرامش در کشور اسلامی هست، لذا در صورت اثبات جرائم، خصوصاً جرائم منافی عفت، هیچ گونه اغماضی صورت نخواهد گرفت و مجازات مجرمین به صورت دقیق و با قوت و قدرت اعمال خواهد تا با تأدیب و بلکه امحای عضو فاسد، خانواده‌های مسلمان، جامعه آرامی را تجربه نمایند.

یکی دیگر از مواردی که سیاست جنایی اسلام با هدف سرکوب عمل مجرمانه در حوزه خانواده نسبت به آن واکنش نشان داده است، زنا است عبارت است از مرد بالغ عاقل آلت خود را ولو به اندازه ختنه‌گاه در جلو یا عقب زنی که در عقد او نیست داخل نماید بدون اینکه شبهه‌ای صورت گرفته باشد.

اینکه برای اثبات زنا، در سیاست جنایی اسلام، شرایط سخت گیرانه‌ای لحاظ شده است که به‌طورکلی یا با چهار مرتبه اقرار و یا اینکه یا بینه (شهادت چهار مرد و...) که به‌صورت دقیق و خاص شهادت بدهند به این صورت که شاهدین شهادت بدهند که ما ادخال و ادخال فلان مرد به فلان زن را دیدیم همانند فروکردن چوب سرمه در سرمه‌دان (البته این عبارت از باب مثال است) (عاملی، الروضه البهیة، ۴، ۲۶۹) اگر چنانچه همه شاهد‌ها مثل همدیگر، شهادت ندهند تک تک محکوم به مجازات می‌شوند.

برای زنا به‌طورکلی و با قطع نظر از فروع متعددی که دارد «اگر با چهار مرتبه اقرار یا بینه (شهادت چهار مرد) و به‌صورت دقیق و خاص که شاهدین شهادت بدهند که ما ادخال و ادخال فلان مرد به فلان زن را دیدیم همانند فروکردن چوب سرمه در سرمه‌دان (البته این عبارت از باب مثال است)» (همان) در مجموع مجازات هشتگانه‌ای تشریع شده است که هرکدام از این موارد برای مورد خاصی از زنا می‌باشد که چهار مورد آن عبارت‌اند از:

۱. قتل با شمشیر؛ در صورتی که زنا با محارم نسبی مانند مادر، خواهر، عمه و... انجام شده باشد.
۲. سنگسار؛ زنای مرد محصن با زنی بالغه عاقله (احصان عبارت است از اینکه مرد متأهلی که به همسر خویش دخول کرده باشد و در طول روز هم صبح و شب به همسر خود دسترسی داشته و مانعی از انجام مقاربت هم وجود نداشته باشد)
۳. (۱۰۰) ضربه شلاق؛ زنای مرد محصن با دختر بچه غیر بالغ یا مجنون یا زنای زن با پسر بچه نابالغ (اما اگر زنی محصنه‌ای با مجنون بالغ زنا کند علاوه بر ۱۰۰ تازیانه، سنگسار هم می‌شود)
۴. شلاق، تراشیدن سر و تبعید در زنای غیر محصن.

ب) شدیدترین نوع زنا

از منظر سیاست جنایی اسلام، شدیدترین نوع زنا عبارت است از:

اول: زنای محصن

محصن به فرد بالغ عاقل حر گفته می‌شود که دارای همسر دائمی باشد به گونه‌ای که با او جماع کرده باشد و هر زمان از شب و روز که بخواهد بتواند با همسرش درآویزد؛ بنابراین اگر کسی مسافر

است یا در زندان است یا مانع شرعی یا عادی بین او همسرش وجود دارد؛ به چنین فردی محصن صدق نمی‌کند (حلی، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، ۱۴۱۳ ه‍.ق، ۳، ۵۲۷)

به تعبیر طبرسی: «الإحصان لا یثبت عندنا الا بأن یكون للرجل فرج یغدو الیه و یروح متمکنا من وطنه سواء كانت زوجته حرة أو أمة أو ملك یمین و متى لم یکن متمکنا منه لم یکن محصنا؛ اما بأن یكون مسافرا عنها، أو محبوسا، أو محالا بینها و بینه و كذلك الحکم فیها سواء» (طبرسی، المؤتلف من المختلف بین أئمة السلف، ۱۴۱۰، ج ۲، ۳۸۷) «وإحصان المرأة کإحصان الرجل» (حلی، علامه، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، ۳، ۵۲۹)

از منظر سیاست جنایی اسلام، حد زنا ی فرد محصن رجم است (حلی، همان، ج ۳، ۵۲۷) مگر اینکه این عمل توسط پیر مرد و پیرزن محصن انجام شده باشد که در این صورت قبل از رجم ۱۰۰ ضربه شلاق هم بر آنان نواخته می‌شود (همان)

اما زنا ی غیر محصن یا زنا ی مرد محصن با دختر بچه یا زن دیوانه یا زنا ی طفل با زن کامل؛ به مجازات ۱۰۰ ضربه شلاق محکوم می‌شود (حلی، همان، ج ۳، ص: ۵۲۶)

در اینکه از منظر سیاست جنایی، مستند حد رجم چیست؟ هرچند در این زمینه، آیه خاص و صریح نداریم اما در فتاوی‌ای فقها و نیز در قانون مجازات اسلامی با صراحت حکم رجم تعیین شده است.

البته امروزه سیاست جنایی اسلام اقتضا می‌کند که جهت ملاحظه یک سری مصالح، در برخی از کشورها از جمله در ایران، رجم به آن صورتی که در شرع وارد شده است ممکن است اعمال نشود و به جای آن از طریق حلق آویز به مجازات لازم برسد.

دوم: زنا ی به عنف

یکی از مواردی که در سیاست جنایی اسلام اشدّ مجازات حدی برای آن در نظر گرفته شده است، زنا ی به عنف یا به تعبیر فقهی «المکرة للمرأة علی الزنا» (همان، ج ۳، ص: ۵۲۶) می‌باشد که مجازات عامل این فعل شنیع، قتل و اعدام است.

قانون مجازات اسلامی در ماده ۲۲۴ در این زمینه می‌گوید: «حد زنا در موارد زیر اعدام است:

الف)... ب)... پ)... ت) زناى به عنف یا اکراه از سوى زانى که موجب اعدام زانى است.» سپس در تبصره ۲ این ماده می‌گوید: «هرگاه کسی با زنی که راضی به زناى با او نباشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند؛ رفتار او در حکم زناى به عنف است. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است.» (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، ۲۲۴)

بر اساس ماده ۲۳۱ قانون مجازات اسلامی، در زناى به عنف، اگر زن باکره باشد و بکارت او بر اثر این زنا زایل شود، فاعل علاوه بر مجازات حدی به پرداخت ارش البکارت و مهر المثل هم محکوم می‌شود و در صورتی که باکره نباشد به مجازات حدی و نیز مهرالمثل محکوم است.

سوم: زناى با محارم

یکی از مواردی که در سیاست جنایی اسلام برای آن مجازات قتل و اعدام در نظر گرفته است فارغ از اینکه فاعل، محصن باشد یا غیر محصن، زناى به عنف باشد یا توافقی؛ زنا با محارم است. علامه حلی در این باره و در ادامه مواردی که حد قتل برایش تشریع شده است می‌گوید: «من زنی بذات محرم: کالأم و البنّت و الأخّت و العمّة و الخالة و بنت الأخ و بنت الأخّت نسبا» (حلی، همان ج ۳، ص: ۵۲۶)

۳- قتل همسر در بستر زنا

یکی از مظاهر و مصادیق سیاست جنایی اسلام در حوزه خانواده موردی است که شوهری همسرش را در حال زنا ببیند؛ در این که آیا شوهر، می‌تواند بدون درنگ، مرد زانی و همسر زانیه اش را به قتل برساند یا خیر؟! هرچند در این زمینه دیدگاه‌هایی وجود دارد ولیکن دیدگاه مشهور این است که شوهر، فیما بین و بین الله تعالی می‌تواند زانی و زانیه را در همان بستر زنا به قتل برساند و در این باب هیچ گناهی مرتکب نشده است. چنانچه شهید ثانی در این زمینه می‌گوید: «هذا هو المشهور بین الاصحاب لانعلم فيه مخالفا» (عاملی (شهید ثانی)، همان، ج ۴ ص ۲۹۴) و در این زمینه روایاتی هم وارد شده است. ولیکن مقتضای سیاست جنایی اسلام و پرهیز از هرج و مرج در جامعه اینست که اگر چنین قتلی اقرار یا بینه چنین قتلی ثابت شود، این مرد باید در محکمه اسلامی زناى آن مرد با

همسرش را با ادله مثبت، به اثبات برساند و یا اینکه اولیای مقتول، زانی بودن مقتول را تصدیق کنند؛ در غیر این صورت، این شوهر، از منظر سیاست جنایی اسلام، قاتل و جانی محکوم به قتل و اعدام می گردد. شهید ثانی در این زمینه می گوید: «ولکن فی الظاهر یجب علیه القود مع اقراره بقتله او قیام البینه به الا مع اقامته البینه علی دعواه ال تصدیق من ولی المقتول» (همان) هرچند در این زمینه روایاتی هم وارد شده است و جای بحث و بررسی و تحلیل و توضیح وجود دارد که به جهت رعایت اختصار به همین مقدار بسنده می شود.

۴- جرائم بر ضد حقوق و تکالیف خانوادگی

الف) امتناع از پرداخت نفقه

امتناع از تأدیه حقوق و تکالیف در قبال خانواده، گذشته از جنبه حقوق مدنی، دارای مجازات کیفری و جزایی هم می باشد که بیانگر توجه و عنایت سیاست جنایی اسلام در حوزه خانواده است؛ بر این اساس «هر کس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه، امتناع نماید، دادگاه، او را از سه ماه و یک روز تا حبس محکوم می نماید» (قانون مجازات اسلامی ایران، ۱۳۹۲، ۶۴۲ (۸۶۸))

ب) پرهیز از ثبت ازدواج و طلاق

به منظور حفظ کیان خانواده و پرهیز از تشتت و پیامدهای عدم ثبت واقعه ازدواج دائم و طلاق، در قانون مرتبط با خانواده مقرر شده است که این گونه اقدامات، باید به طور رسمی و قانونی در مراکز مشخص، ثبت گردد؛ بنابراین به مقتضای سیاست جنایی اسلام در حوزه خانواده، «چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی مبادرت به ازدواج دائم، طلاق و رجوع نماید با مجازات حبس تعزیری تا یک سال محکوم می شود» (قانون مجازات اسلامی ایران، ۱۳۹۲، ماده ۶۴۵ (۸۷۱))

ب) نپرداختن مهریه

یکی دیگر از اقدامات سیاست جنایی اسلام در حوزه خانواده، مسئله مهریه است که هرچند تعیین میزان مهریه با همسر است اما بعد از توافق و به محض خواندن عقد، نصف مهریه و با دخول، تمام آن

بر اساس توافق، بر ذمه شوهر می باشد که در صورت اختلاف در پرداخت مهریه، از طریق شکایت همسر در دادگاه اسلامی، دادگاه موظف به رسیدگی است که بر اساس مقررات شرع مقدس و قانون اسلامی، اقدامات لازم اعمال می شود که تفصیل این امر، در منابع فقهی و مقررات حقوقی به صورت مفصل و مبسوط آمده است؛ اما به طور کلی در صورت اختلاف در مقدار مهریه (که طبعاً مرد ادعای مهریه کمتر را دارد) اگر هریک از طرفین در دادگاه و محکمه اسلامی بتوانند با بینه ادعایش را ثابت کنند، بر اساس همان بینه حکم می شود، در غیر این صورت، ادعای شوهر، همراه با یمین، مقدم می گردد چون که هر دو بر مقدار معین توافق دارند و اختلاف شان بر زائد است که وظیفه زوجه اثبات آن می باشد (طرابلسی، طوسی، جواهر الفقه - العقائد الجعفرية، ۱۴۱۱، ۱۷۳)

اما در باب پرداخت مهریه عندالمطالبه از منظر دین بعد از عقد، مهر مستقر می شود به این صورت که قبل از اینکه دخول صورت بگیرد، همسر حق ممانعت از دخول قبل از پرداخت مهر را دارد اما بعد از دخول، صرفاً حق مطالبه دارد و حق ممانعت از دخول ندارد؛ البته همسر می تواند در دادگاه اسلامی شکایت و مطالبه مهریه و به اصطلاح آن را به اجرا بگذارد که مطابق ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده مصوب اسفند ۹۱ «هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد وصول آن مشمول مقررات ماده ۲ قانون اجرای محکومیت های مالی است؛ چنانچه مهریه بیش از این میزان باشد در خصوص مازاد فقط ملات و توانایی مالی زوج ملاک پرداخت است. رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است. همچنین مطابق ماده ۳ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی «اگر استیفای مهریه از طریق مذکور در این قانون ممکن نشود زوج به تقاضای زوجه تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت زوجه حبس می شود.» البته در این راستا بعدها از طریق قوه قضائیه اقدامات جدیدی هم صورت پذیرفته است که در جای خودش ذکر شده است.

۵- ازدواج، طلاق و قوادی

الف) ازدواج

حوزه خانواده، مشتمل بر محدوده وسیعی است که از بدو تولد انسان شروع می شود و در دوران

تأهل با تولید مثل به اوج خود رسیده و با مرگ انسان به حسب ظاهر، نسبت به این فرد به پایان می‌رسد؛ اما محدوده ازدواج، حیطه ایست که عنوان خانواده در این محدوده و دوره زندگی انسان، به صورت دقیق و شفاف متبلور می‌شود.

خصوص امر ازدواج، از چشم تیزبین سیاست جنایی اسلام، مخفی نمانده است و آموزه‌هایی دینی با عبارات مختلف و در موارد متعدد برای جلوگیری از جرم و جنایت در این حیطه حساس از زندگی انسان، تدابیر و سیاست‌گذاری‌هایی را اعمال کرده است.

موارد ذیل را می‌توان به عنوان نمونه‌هایی از سیاست جنایی اسلام در حوزه خانواده با رویکرد ازدواج اشاره کرد:

۱. در روایات و منابع اسلامی نسبت به ازدواج به صورت شفاف، تشویق شده و فضیلت زیادی برای ازدواج بیان شده است تا جایی که فرموده: «من تزوج فقد احفظ نصف دینه» در نتیجه مسئله احصان که خود منشأ احکام شدید جزایی است از همین ازدواج برمی‌خیزد.

۲. از منظر اسلام و فقه شیعی، ازدواج، به خودی خود، مستحب است اما اگر خوف وقوع در حرام را داشته باشد، به عنوان واجب تلقی شده است. «النکاح مستحب مؤکد لمن یمكنه فعله ولا یخاف بترکه الوقوع فی محرم والا وجب» (عاملی زین الدین، همان، ج ۳ ص ۱۴۶)

۳. برای اینکه هدف اصلی از ازدواج محقق شود، بر مرد متأهل واجب شده است که حداقل در هر ۴ ماه یک مرتبه باید با همسرش وطی نماید و در این عمل هم حق عزل منی را ندارد مگر در موارد خاص؛ اما اگر عزل حرام دانسته شود (حتی طبق برخی نظرات ولو عزل حرام هم نباشد در هر صورت) حتی دیه نطفه هم باید پرداخت شود و وظیفه دادگاه و حاکم اسلامی است که در صورت اطلاع از این امر از طریق شکایت زن و یا شوهر و... باید نسبت به تأدیه دیه، اقدام نماید که با توجه به تعریف سیاست جنایی اسلام این خود یکی از بارزترین مصادیق سیاست جنایی اسلام در حوزه خانواده می‌باشد.

۴. مسئله ظهار و ایلاء و مانند آن هم بیانگر سیاست جنایی اسلام در حوزه خانواده می‌باشد.

ب) طلاق

یکی دیگر از موضوعاتی که در حوزه خانواده اتفاق می افتد طلاق است؛ هرچند طلاق به خودی خود ربطی مستقیم با سیاست جنایی اسلام ندارد اما در همین حوزه، گاهی جریان امر به گونه ای است که پای جنایت در میان باز می شود که در این راستا سیاست جنایی اسلام اقدامات لازم را در این حوزه لحاظ نموده است. به عنوان مثال: اگر مردی ادعا کند که عمل دخول انجام شده است و بخواهد با این کار، رجوع را ثابت کند ولی زن آن را انکار کند در این صورت محکمه اسلامی قول زن را همراه با قسم، مقدم می دارد کما اینکه اگر مرد انکار دخول کند، قول مرد مقدم است (عاملی زین الدین، همان، ۳، ۳۶۸) یا اینکه اگر مردی با زنی که در حال طلاق رجعی است ازدواج کند، از منظر سیاست جنایی اسلام مردود است.

ج) قوادی

یکی از جرائم مرتبط با خانواده بوده و سیاست جنایی اسلام در قبال آن برخورد کرده است، قوادی یعنی به هم رساندن دو یا چند نفر برای عمل زنا یا لواط است که با تحقق زنا یا لواط، فرد قواد، حد می خورد (برای مرد قواد، ۷۵ ضربه شلاق و در صورت تکرار در بار دوم به یک سال تبعید هم محکوم می شود و برای زن صرفاً همان ۷۵ ضربه شلاق به عنوان مجازات حدی است (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، ۲۴۲)) در صورتی که عمل زنا یا لواط انجام نگیرد و صرفاً آنان به همدیگر برسند به ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری محکوم می شوند (همان)

ه) ردّ فاضل دیه

مرور بر سیستم جزایی اسلام نشان می دهد که یکی از مهم ترین اصول مجازات در اسلام، اصل تناسب بین جرم و مجازات است؛ در همین راستا یکی از مباحث بحث برانگیز در سیاست جنایی اسلام در حوزه خانواده، اعدام مرد قاتل در مقابل زن مقتوله است منتها به شرط رد فاضل دیه. در این زمینه هرچند نظرات و مطالب متعددی طرح و مورد نقد و انتقاد قرار گرفته است که طرح این مباحث خود تحقیق مستقلی می طلبد اما قدر مسلم بحث مرتبط با تحقیق حاضر این است که مطابق آیه النفس بالنفس، مرد قاتل در قبال قتل زن، قصاص می شود لیکن برحسب شریعت اسلام و

مصلحت اجتماع و ادله‌ای که در این زمینه ارائه وجود دارد، باید رد فاضل دیه صورت بگیرد. علامه حلی می‌گوید: «یقتل بالمرأة بعد رد تفاوت دیته و هی نصف دية الرجل و نصف دية المرأة» (حلی، تحریر الأحکام الشرعية علی مذهب الإمامية، ۱۴۲، ۴۴۲، ۵)

نتیجه

سیاست جنایی اسلام تمامی عرصه‌های زندگی انسان را پوشش می‌دهد. یکی از ای عرصه‌ها، حوزه خانواده است. سیاست جنایی اسلام در این حوزه، برخاسته از مبانی کرامت انسانی، قداست خانواده، ایجاد آرامش، مسئولیت اجتماعی انسان و هدفمند بودن زندگی می‌باشد. سیاست جنایی اسلام در حوزه خانواده دارای مصادیق متعدد است که از جمله آن‌ها مسائل جنایی مربوط به ارتداد، زنا (محصن، عنف و زنا با محارم)، قتل همسر زانیه در بستر زنا، جرائم ضد حقوق و تکالیف خانوادگی و... می‌باشد.

قرآن کریم.

اردبیلی، سید عبدالکریم موسوی، **فقه الحدود و التعزیرات**، ۴ جلد، مؤسسة النشر لجامعة المفید رحمہ اللہ، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ هـ.ق.

جزیری، عبد الرحمن - غروی، سید محمد - یاسر مازح، **الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت علیهم السلام**، ۵ جلد، دار الثقلین، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۱۹ هـ.ق.

حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، **تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة (ط الحدیثة)**، ۶ جلد، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۰ هـ.ق.

حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، **قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام**، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۳ هـ.ق.

خویی، سید ابو القاسم موسوی، **محاضرات فی الموارث**، در یک جلد، مؤسسه السبّطین (علیهم السلام) العالمیة، قم - ایران، اول، ۱۴۲۴ هـ.ق.

طبرسی، امین الإسلام، فضل بن حسن، **المؤتلف من المختلف بین أئمة السلف**، ۲ جلد، مجمع البحوث الإسلامیة، مشهد - ایران، اول، ۱۴۱۰ هـ.ق.

طرابلسی، ابن براج، قاضی، عبد العزیز - طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، **جواهر الفقه - العقائد الجعفریة**، در یک جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۱ هـ.ق.

عاملی زین الدین، **الروضه البهیة**، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۳۱ هـ.ق.

عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین، **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، ۱۳ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۴ هـ.ق.

قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، **من لا یحضره الفقیه**، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۳ هـ.ق.

کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، **الکافی (ط - الإسلامیة)**، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامیة، تهران - ایران، چهارم، ۱۴۰۷ هـ.ق.

قانون مجازات اسلامی ایران، ۱۳۹۲.

سایت مرکز اسلامی امام علی (ع).

